

الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين



جلسه

دوم

پسوندهایی که دارای معنی وضعیت هستند :

پسوند	مثال	معنی
-ia	Insomnia	بی خوابی
-iasis	Amebiasis	آلودگی و عفونت با آمیب
-ism	Alcoholism	اعتیاد و وابستگی به الکل
-osis	Neurosis	اختلال روانی (نوروز)
-y	Atony	از بین رفتن تونوسسته عضله

پسوندهای صفت ساز:

پسوند	مثال	معنی
-ac	Cardiac	وابسته به قلب (قلبی)
-ar	Muscular	وابسته یا مربوط به عضله (عضلانی)
-al	Skeletal	وابسته به اسکلت (اسکلتی)
-ary	Urinary	ادراری
-ic	Pelvic	لگنی

پسوندهای صفت ساز:

پسوند	مثال	تعریف
-ical	Surgical	جراحی
-ile	Febrile	مربوط به تب (تبی)
-ous	Venous	وریدی
-form	Epileptiform	شبيه به حالت اپی اپسی یا صرع
-oid	Mucoide	شبيه به یا وابسته به موکوس

پسوندهای مربوط به تخصص ها :

تعریف	مثال	معنی	پسوند
بررسی فیزیولوژی اندام ها	Physiology	Study of مطالعه	-logy
متخصص درمان دهان و دندان	dentist دندانپزشک	Specialist in a field of study	-ist
پزشک	Physician	Specialist in a field of study	-ian -ician
متخصص درمان امراض مغزی	Psychiatry	Field of medicine	-iatrics -iatry
متخصص در مطالعه و درمان پا	podiatrist	Field of medicine	-iatrist

اجزای لغت که معنی ترکیبات شیمیایی دارند:

تعریف	مثال	معنی	پسوند
آنزیمی که چربی را هضم می کند	Lipase	آنزیم	-Ase
قند شیر	Lactose	شکر	-ose
تعریف	مثال	معنی	ریشه
جراحی کشیدن چربی بوسیله ساکشن	Liposuction	چربی	Lip/o
تجمع چربی در بدن	Adiposis	چربی، چاقی	Adip/o
دفع مدفوع چرب	Steatorrhea	چربی	Steat/o
پایین بودن قند خون	Hypoglycemia	گلوکز، قند	Glyc/o
شبه نشاسته	Amyloid	نشاسته	Amyl/o
حل و تجزیه پروتئین	Proteolysis	پروتئین	Prote/o

برخی اصطلاحات و پسوندهای مربوط به ابزار و ماشین ها:

پسوند	شرح	معنی فارسی
Scope	Instrument for looking into and examining	وسیله مشاهده و بررسی داخل و خارج بدن
Scopy	Act of examining and looking into	عمل مشاهده و بررسی کردن
Tome	Instrument for cutting thin section (for incising)	ابزار بریدن اجزاء نازک و ظریف
Tomy	Incision	برش، عمل بریدن
Graph	Instrument or machine that records	ماشین یا وسیله ای برای ثبت
Graphy	Recording	عمل ثبت و بررسی
Gram	Written record	محصول دستگاه ثبت کننده
Meter	Instrument that measure or counts	وسیله اندازه گیری یا شمارش
Metry	Act of measuring or counting	عمل اندازه گیری یا شمارش
Electro	Electricity	الکتریکی، برقی، برق

مثال:

شرح	مثال
ابزاری جهت مشاهده داخل مثانه	Cystoscope
مشاهده و بررسی گوش	Otoscopy
وسیله برش پوست	Dermatome
عمل بریدن و سوراخ کردن معده	Gastrotomy
ماشین الکتریکی ثبت کننده ضربان قلب	Electrocardiograph
عمل ثبت نوسانات و ضربان قلبی بوسیله ماشین الکتریکی خاص	Electrocardiography
نوار قلبی (مدرکی که بر آن علائم ضربان قلب مکتوب است)	Electrocardiogram
وسیله ای جهت شمارش سلول ها	Cytometer
عمل اندازه گیری لگن خاصره	Pelvimetry

تخصص ها و متخصصین پزشکی:

Internal medicine Internist	طب داخلی پزشک داخلی
Surgery Surgeon	جراحی جراح
Cardiovascular disease Cardiologist	بیماری های قلبی-عروقی متخصص قلب
Dermatology Dermatologist	علم پوست شناسی (دانش مربوط به پوست) متخصص امراض پوستی (پوست شناس)
Endocrinology Endocrinologist	دانش مربوط به غدد درون ریز متخصص غدد درون ریز
Gastroenterology Gastroenterologist	علم مربوط به دستگاه گوارش متخصص دستگاه گوارش
Obstetrics (gynecology) Obstetrician (gynecologist)	دانش مربوط به اندام تناسلی زن متخصص امراض زنان
Neurology (neurosurgery) Neurologist (neurosurgeon)	دانش مربوط به اعصاب، عصب شناسی عصب شناس، (جراح اعصاب)
Ophthalmology Ophthalmologist	چشم شناسی، دانش مربوط به چشم پزشک چشم شناس، متخصص چشم

<p>Otology</p> <p>Otologist</p>	<p>گوش شناسی (دانش مربوط به گوش)</p> <p>گوش شناس (متخصص گوش)</p>
<p>Otorhinolaryngology</p> <p>Otorhinolaryngologist</p>	<p>دانش مربوط به گوش و حلق و بینی</p> <p>متخصص گوش و حلق و بینی</p>
<p>Pediatrics</p> <p>Pediatrician</p>	<p>علم پزشکی مربوط به اطفال (پزشکی اطفال)</p> <p>پزشک متخصص بیماری های اطفال</p>
<p>Proctology</p> <p>Proctologist</p>	<p>دانش مربوط به راست روده و سیگموئید</p> <p>پزشک متخصص بیماری های روده بزرگ خصوصاً راست روده</p>
<p>Psychiatry</p> <p>Psychiatrist</p>	<p>علم روانپزشکی</p> <p>روانپزشک</p>
<p>Radiology</p> <p>Radiologist</p>	<p>دانش پرتو شناسی</p> <p>پزشک متخصص در پرتو شناسی</p>
<p>Urology</p> <p>Urologist</p>	<p>علم مربوط به دستگاه ادراری</p> <p>پزشک متخصص دستگاه ادراری</p>
<p>Orthopedics</p> <p>Orthopedist (orthopedic surgeon)</p>	<p>دانش مربوط به اسکلت بدن</p> <p>متخصص و اصلاح کننده نارسایی ها و بیماری های اندام اسکلتی</p>

پیشوند	مترادف انگلیسی	معنی به فارسی
Brady	Slow	کند، آهسته
Tachy	Fast or rapid	تند، سریع
Hydro	Water	آب
Oma	Swelling, tumor	غده، ورم، آماس
Malac/ia	Softening	نرم، نرمی
Orrhea	Flow or discharge	ترشح، بیرون دادن، خالی کردن، تخلیه

کلمات مرکب شایع :

کلمه مرکب	شرح	معنی فارسی
Brady cardia	Slow heart beat	کندی ضربان قلب
Brady phagia	Slowness in eating	آهسته خوردن، کند خواری
Tachy cardia	Rapid or fast heart beat	تندی ضربان قلب
Dehydrate	Remove water or fluid	مایع گیری یا از دست دادن آب
Deformation	A change in the normal shape	تغییر شکل
Reflex	A reflected action or movement	واکنش
Regurgitation	Vomiting	استفراغ
Diarrhea	Flowing through	ریزش (اسهال)
Hydrocephalus	Water in the head	وجود آب در سر (ناهنجاری مادرزادی)

Hydrophobia	Fear of water	ترس از آب
Lipoma	Tumor of fat	غده غیر طبیعی چربی
Polyuria	Excessive amount of urination	پُر ادراری
Post partum	After child birth	پس از زایمان
Postocular	Behind the eye	پشت چشم، پشت چشمی
Periosteum	Around bone	گرداگرد استخوان، پوشش استخوان
Circumcision	Excision of all or part of the prepuce of the glance penis	ختنه
Hematoma	A tumor of blood	یک توده و یا تومور از خون
Osteomalacia	Softening of the bones	نرمی استخوان

Pyorrhea	Flow of pus	ترشح چرک
Hyperplasia	Over development	رشد بیش از حد (تکثیر بی قاعده سلولها)
Hypertrophy	Over development	بزرگ شدن سلولها، ازدیاد حجم بافت
Paraplegia	Paralysis of waist down	فلج نیمه تحتانی بدن
Meno	Menstruation	قاعدگی، خونروشی
Menopause	Cessation of menstruation	توقف قاعدگی
Onkyl/o	Stiffening immoveable	خشکی، جمود، حرکت ناپذیر
Crypt/o	Hidden	نا معلوم، مخفی
Esthes/ia	Feeling, sensation	حس، درک
Lith	Stone	سنگ

Calculus	Stone	سنگ
Necr/o	Death, dead, decayed	مرگ، مرده، فاسد شده
Par/o , par/a	To bear	به دنیا آوردن
Path/o	Disease	بیماری
phag/o , phag/ia	Eat	خوردن
Schisto ,schizo, shiso	Split, cleft, fissure	جدایی، شکاف
Sclero	Hardening	سختی، سخت شدن، تصلب
Stasis	Stoppage, standing still	جلوگیری، توقف
Thromb/o	Clot	لخته، لخته شدن (خون)
Orrhexis	Rupture	گسیختگی، پارگی
Spasm	Spasm	انقباض ناگهانی و شدید
Drom/e , drom/o	Runing	در حال اجرا، جاری

اجزایی که در مورد بیماری های عفونی استفاده می شود :

Ankylo belpharon	Immoveable Eyelids	پلک های حرکت ناپذیر، چسبندگی پلکها
Ankyloglossia	Stiff Tongue	جمود زبان
Cryptorchidism	Hidden or un Descended Testis	بیضه مخفی یا پایین نیامده
Rhinolith	A stone in the Nose	تشکیل سنگ در بینی
Calculogenesis	The Formation of Stone	تشکیل سنگ
Necrectomy	Excision of Dead Tissue	برداشتن بافت مرده با عمل جراحی
Necrosis	Refers to a Condition in which Dead Tissue is Surrounded with Healthy Tissue	حالتی که در آن بافت مرده به وسیله بافت زنده و سالم احاطه شده (به علت بیماری)
Multipara	A Woman who has Borne More than one Child	خانمی که چند بار زایمان داشته است
Pathology	The Study of Disease	آسیب شناسی

Adenopathy	Glandular Disease	بیماری غددی
Phagothorapy	Treatment by Feeding	غذا درمانی
Schizotrichia	Splitting of the Hair at the Ends	جدا شدن مو از ریشه
Arteriosclerosis	Hardening of the Arteries	تصلب شرایین
Hemostasis	Control of Bleeding	جلوگیری از خونریزی
Thrombosis	Condition of Clotting	حالت لخته شدن خون، خون لختگی
Hysterorrhexis	Rupture of the Uterus	پارگی رحم
Myospasm	Spasm of a Muscle	انقباض ناگهانی عضله
Dromograph	An instrument for Recording Conduction or Flow	وسیله ای برای ثبت جریان یا ریزش

موفق و پیروز و سلامت باشید.